

به نام خداوند جان و خرد

در بیشتر مراحل تدوین پایان نامه‌ام یاد آموزه‌ها و افتخار هم‌صحبتی با

استاد عکاسی‌ام آقای یحیی دهقانپور نیروی پیش‌برنده‌ام بود.

به شقان، فریدون، سپینود، صبای عزیزم

و مهرداد نجم‌آبادی

هدیه ضیایی

مریم میرسلطانی و امیرعلی امیراکبری

هادی احمدزاده، رفقای که من را کمک و تحمل کردند

رامیار منوچهرزاده

مهران مهاجر

و تمام کسانی که من را یاری کردند و مصاحبتی با من داشتند

و دانشکده‌ی هنرهای زیبا

چکیده

آموزش آکادمیک در هنر از حدود ۷۵ سال پیش با راه اندازی دانشکده‌ی هنرهای زیبا آغاز شده‌است. در سال‌های قبل از انقلاب همواره سعی شده‌بود، بطور مستقیم از دستاوردهای هنر در غرب به عنوان یک الگوواره در اصول اولیه‌ی آموزش استفاده شود. این پژوهش به بررسی آموزش عکاسی بعد از انقلاب می‌پردازد؛ سعی گروه‌های انقلابی بر این بود که در دروس دانشگاهی بازنگری کامل صورت بگیرد و در این بازنگری به تصمیم جدیدی هم رسیدند که همان تاسیس رشته‌ی عکاسی بود.

انقلاب، جنگ و اتفاقات اوایل انقلاب، عکس را به‌عنوان یک روش برای بیان حقیقت در ایران بعد از انقلاب بسیار با ارزش نموده‌بود. پژوهش این‌چنین به شکل‌دهی خود ادامه می‌دهد که: این دلایل، برای تاسیس رشته‌ی عکاسی دلایل و ایده‌ی اولیه‌ی محکمی نبودند، زیرا قبل از نشانی از حقیقت یا واقعیت، عکس یک اثر هنری در هنرهای تجسمی است.

از طرفی تاریخ عکاسی در ایران با تاریخ اختراع آن در غرب هم تقریباً برابری می‌کند ولی تا سال‌های بعد از آکادمیک شدن عکاسی چون بحثی از هنر به‌عنوان بحثی تأثیرگذار در عکاسی (مباحث مهمی چون نقد نظری، نمایشگاه‌های جدی، بینال‌ها، مقاله‌ی نظری، ...) پیش‌نیامده بود، لازم بود در بطن تحقیق به این موضوعات پرداخته‌شود.

عکاسی هنری با تعاریف مختلفی در این پایان‌نامه آمده‌است، هر کدام از کسانی که در آموزش آکادمیک هنر و آموزش عکاسی در این پژوهش صحبت کردند تعریف خودشان را داشتند. ولی مطلبی که در همگان مشترک بود تصحیح در شرح‌درس‌ها و سرفصل‌ها و احساس نیاز برای پرداختن به نظریه‌پردازی و مباحث نظری است، در هر صورت نظرات مختلف نشان از تکثر ایده‌هایی می‌دهد که خبر تولد عکاسان هنرمند در دانشگاه‌ها را خواهدداد، که با اصلاح یا تدوین دوباره‌ی سرفصل‌ها بوجود می‌آید.

در آخر عکاسی معاصر ایران ° حداقل شاخه‌ی هنری آن- در راهی است که با آموزش‌های آکادمیک می‌تواند قدم‌های محکم‌تری در دنیای هنر، نمایشگاه‌های معتبر و فروش‌های منطقه‌ای و جهانی بردارد؛ و از همه‌ی این‌ها مهمتر بازتابی عکاسانه از هنر، سیاست، اقتصاد و جامعه‌ی ایران امروز ما باشد.

کلید واژه‌ها

هنر ایران، عکاسی هنری، آموزش آکادمیک هنر، آموزش عکاسی، عکاسی معاصر ایران.

پیش گفتار

مقدمه:

فصل اول: بنیانها

فصل دوم: رشته‌ی عکاسی

فصل سوم: نهادهای تاثیرگذار

نتیجہ گیری

پیوست‌ها

Abstract

Academic art education has started about 75 years ago with the establishment of faculty of fine arts. In the years before the revolution there was an approach to use western achievements directly as a paradigm for essentials of art education. This research deals with education after the revolution. After the revolution the revolutionists revised the previous system thoroughly which lead to formation of photographic courses in university.

Revolution, war and the early events after the revolution made the photography a very valuable medium to show the truth in Iran after the revolution. But showing the truth may not be a cogent reason for establishment of photography as an academic course because a photo is a work of visual art prior to being a sign of truth.

Although the arrival of photography to Iran coincides with its advent in west, there has not been an artistic approach toward photography in academic education. For years there was a lack of artistic view on the subject (such as theoretical criticism, exhibitions, biennials, speculative articles ...), which made it necessary to be dealt in this research.

Artistic photography has been used in these projects with various definitions. Everyone involved in the academic education has a personal definition of it. But there was a common point of view on the matter of amending the program and course content and the necessity of including speculative and theoretical subjects in the course.

In any respect, the various remarks denote variety of concepts which foreshadows the formation of a new generation of artistic photographers.

Finally, contemporary Iranian photography-or at least the artistic major of it- is on the way of taking part in authentic exhibitions and regional and universal sales; And above all, being a reflection of today's Iranian art, politics, economics and social aspects.

Key words

Iranian art, artistic photography, academic art education, photography training, contemporary Iranian photography

ضرورت استمرار در ارزیابی برنامه‌های آموزشی

چرا عکاسی هنری؟ تاثیر آموزش آکادمیک (دانشگاهی) بر عکاسی و عکس را بدون انکار همه پذیرفته‌اند چه فروشندگان دوربین در ناصر خسرو چه عکاسانی امثال آقای فخرالدینی و کسرائیان (عکاسانی که کار آکادمیک نکرده‌اند و کمتر در دانشگاه تدریس داشتند)، در همین ابتدا می‌خواهم به عنوان یک قرارداد صنفی یا حرفه‌ای و حتا اجتماعی درباره‌ی نوعی از عکاسی صحبت کنم که در این پایان‌نامه آن را به نام "عکاسی هنری" یا "عکس هنری" می‌نامیم و تاثیر آموزش را بر آن بررسی و تحلیل می‌کنم و این که آیا دانشگاه تاثیری بر این نوع عکاسی گذاشته یا نه! این کاری است که در خلال این پژوهش و نوشتار به آن می‌پردازم.

در طی این پایان‌نامه علایق شخصی من به عنوان عکاسی که به این نوع خاص دل مشغولی دارد، شاخص است. این علاقه‌ی شخصی نه به عنوان یک فضیلت که تنها به عنوان علاقه‌ای در کنار دیگر افراد هم صنف در مشاغل دیگر با عکس و عکاسی مطرح است، کما این که شاید دیگران با علایق شخصی و تخصص‌های دیگر مرتبط با عکس و عکاسی تاثیر دانشگاه را در آن تحلیل کنند، که البته جای خالی در همین ارتباط هم به شدت احساس می‌شود.

در طول این پژوهش به نام افراد زیادی در مناصب مختلف بر می‌خوریم، سعی شد که به جز یک یا دو مورد قضاوت شخصی خود را درباره‌ی این افراد دخالت ندهم. چون مبنای این نوشتار بر پایه‌ی گفتگوهای نگارنده با

افراد و مسوولان مرتبط با عکاسی بوده از بردن نام گریزی نبود و مسئولیت نام بردن از افراد به عهده‌ی خود اشخاص مصاحبه شونده می‌باشد.

چرایی انتخاب این موضوع به طور طبیعی به ذات دانشگاه بر می‌گردد، این که به نظر نگارنده اصولن و اصلتن دانشگاه مکانیست برای ترویج فرهنگ، علم و آگاهی؛ آگاهی و فرهنگ اولین کمبودیست که در جامعه‌ی ایرانی دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ خورشیدی به شدت نیازش احساس می‌شود. (در شاخه‌ای تخصصی از فرهنگ به هنر) و در این مقال به عکس که "نازک‌آرای تن" هنر است، می‌رسیم. در سال‌های پایانی دهه‌ی ۷۰ تا سال‌های پایانی دهه‌ی ۸۰ خورشیدی به‌طور مستمر در فضاهای دانشگاهی هنر حضور داشتیم، بخصوص عکاسی (هر سه دانشگاه هنری در تهران را تجربه کردم)، تجربه‌ی اول من دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود که محدودیت مدرس وسخت‌افزار و نگاه سیاسی به امور دانشجو را دیدم، دانشگاه آزاد با کمبود امکانات و شلوغی و دانشگاه هنر هم کمبود مدرس ، این همه، دلایلی بود که به نوعی خاص از

عکاسی که اتفاقن برگرفته از نام هر سه‌ی این دانشگاه‌هاست (هنرهای زیبا، هنر و معماری و هنر) هنرهای کاربردی) که علاقه‌ی شخصی خودم بود نگاه دقیق‌تری بی‌اندازم از شرح حال عکاسی در ایران (طبق معمول همه رساله‌نویسان) تا تدوین و تاسیس رشته‌ی عکاسی تا امروز (معاصر عصر پست مدرن)، نگاه به برنامه‌های تدوین شده و دست آخر این که با این روش آکادمی امکان داشتن خروجی‌های تاثیر گذار به چه میزان است.

مساله‌ی مهم برنامه‌ی آموزشی بود، این که مقدار زیادی از واحدهای دوره‌ی کارشناسی بی‌مورد طراحی شده و از همان روز نخست نیازهای دانشجوی عکاسی (با هر گرایش شخصی) را برآورده نمی‌کند. از طرفی غایت برنامه‌ی کارشناسی ارشد را تربیت مدرس دانستند! که در این زمینه راهی کاملن بی‌هوده پیموده می‌شود چه، در این سال‌ها سیستم، معلم مورد نیاز عکاسی را نتوانسته به خوبی تربیت کند (با توجه به این که نه در زمینه‌ی فنی و نه در زمینه‌ی تیوری معلمان تأیید همکارانشان را هم ندارند چه برسد به ما دانشجویان!).

از بعد دیگر استفاده از ابزارهای کمک آموزشی از قبیل کتاب، فیلم، لابراتور مجهز (معلم و تجهیزات) به شدت محدود است. خطاهای بالا تنها مسایلی بود که به‌طور عمومی در عکاسی (شما بخوانید در آموزش دانشگاهی ما)

مطرح است، ولی وقتی به مقوله‌ای به نام هنر - یا هنرهای زیبا^۱ - که نزدیک می‌شویم مساله حل نشدنی می‌شود. چون یکی از اولین مباحث مطرح شده این است که دانشگاه جای پرورش هنرمند نیست. بدون هیچ قضاوتی می‌شود پی‌برد که با این نگاه، اصولن نوشتن این پایان‌نامه هم هیچ محلی از اعراب ندارد. چون نگارنده صددرصد با این نظر مخالفم. که به تفضیل در این نوشتار به آن می‌پردازم.

هدف از نگارش این پایان‌نامه جمع‌آوری آرا و نظرات اهالی دانشگاه درباره‌ی نوعی از عکاسی است که از آن به عنوان قرار داد «هنری» می‌نامیمش. از تحلیل این نظرات و در عین حال مقایسه‌ای اجمالی با درس‌های چند دانشگاه معتبر در آمریکا، انگلستان و فرانسه که پایگاه‌های اصلی این نوع از عکاسی‌اند به یک جمع‌بندی و در کنار آن احتمالن بدست آوردن راهکارهای مناسب می‌رسیم که شاید برای علاقه‌مندان به این گونه‌ی خاص و در کنار آن راهنمایی برای گونه‌های دیگر عکاسی راه‌گشا باشد، در هر صورت (درست یا نادرست بودن صورت مساله) نیاز به استمرار در بازبینی شرح درس‌ها و سرفصل درس‌ها یک امر بسیار جدی و مهم و بدون چشم‌پوشی است.

از طرفی مباحث نظری در هنر، با یک گردش کوتاه در دنیای مجازی به سهولت در دسترس قرار می‌گیرد، از برگزینی نمایشگاه‌ها از اکنون تا تاریخ هنر در ۱۶۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح؛ دیگر نیاز به کاتالوگ نمایشگاه امروز عکاسی در موزه‌ی هنرهای مدرن نیویورک را بی‌سبب می‌گرداند. تمام کارها، مصاحبه‌ها و حتا نحوه چیدمان در بخش گالری سایت (M.O.M.A.) آمده است، در نتیجه پی‌گیری آثار هنرمند ان و منتقدان و گالری‌ها دیگر سخت نیست. (مشکلی که آقای دهقانپور می‌گوید در سال‌های اول تدریس ایشان داشتند، سال‌ها کسی کتابی از عکاس‌های بعد دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۳۰ نداشت (یا نشان نمی‌داد!) و برای دانشجویان دهه‌ی ۱۹۸۰ ایران، کارتیته برسون و یوجین اسمیت نوگرا بودند، ایشان از کتاب‌های فریدلندر، رابرت فرانک، دون مایکل و وینوگراند اسلاید تهیه می‌کردند - اسلایدها را به سختی و بعد از بازبینی چند گروه از دانشجویان اصولی در کلاس‌ها می‌توانستند نشان دهند -) ، از طرفی پی‌گیری تاریخ عکاسی هم به سهولت امکان پذیر شده است،

¹ fine arts

مباحث قابل خواندن در فلسفه هنر به صورت فارسی و به زبان اصلی و یا تاریخ هنر از نقوش غارهای آلتامیرا تا نقش‌های گرافیتی شب قبل دیوارهای لندن قابل پیگیری است.

سوال دیگری که به وجود می‌آید این است که نیاز اصلی کجاست و چه‌گونه باید یافتش؟

در آخر، بعد از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸ دیدیم که تصویر و عکس در میان جامعه‌ی ایران به اندازه‌ی کافی جایگاه خود را می‌شناسد پس نیازها را باید خارج از سطح جامعه و در میان متخصصین یافت و این آکادمی‌ست که به نسبت از تاثیر هنر - عکاسی - در جامعه بی‌اطلاع است، نیازها را نمی‌شناسد و بی‌خبر است. مگر نه این که می‌گویند (کنفوسیوس می‌گوید)، اگر برنامه‌ی یک ساله دارید بکارید، اگر برنامه‌ی ده ساله دارید درخت بکارید ولی اگر برنامه‌ی صد ساله دارید آدم تربیت کنید (سینماتوگراف (فتوگراف) انسان تربیت می‌کند (محسن مخملباف)).

۱	مقدمه
	فصل اول: بنیان‌ها
۱۱	بخش اول: هنر
۲۶	بخش دوم: عکاسی هنری
۴۰	بخش سوم: آموزش آکادمیک
۴۸	بخش چهارم: آموزش دانشگاهی مدرن در ایران (با نگاهی به آموزش هنر)
	فصل دوم: رشته‌ی عکاسی
۵۹	بخش اول: آموزش آکادمیک عکاسی در ایران، بررسی تاریخی شرح درس‌ها و سر فصل‌ها
۷۰	بخش دوم: بررسی و نظرخواهی در مورد رشته‌ی عکاسی و شرح درس‌ها
۷۷	بخش سوم: کمبودها (سخت‌افزار و نرم‌افزار) و پیش‌نهادهای
	فصل سوم: نهادهای تاثیرگذار
۹۶	بخش اول: دانشگاه
۱۰۴	بخش دوم: موزه
۱۰۸	بخش سوم: نشر
۱۱۲	بخش چهارم: نگارخانه‌ها و کلکتورها (مجموعه‌دارها)
۱۲۰	بخش پنجم: منتقدان و کیوریتورها (نمایشگاه گردان‌ها)
۱۳۶	بخش ششم: آموزشگاه‌های آزاد هنری
	نتیجه‌گیری
۱۴۲	نتیجه‌گیری
۱۴۶	منبع‌ها و ماخذها
	پیوست‌ها
۱۵۰	نمونه‌ی سوال عمومی مصاحبه
	نگاهی به آموزش عکاسی در چند کشور
	شرح درس‌هایی نمونه از دانشگاه‌های آمریکا، انگلستان و فرانسه به‌عنوان سه کشور مطرح در عکاسی و ایران
۱۵۲	

احیای سنت عکاسانه مهم‌ترین و مهم‌ترین رفتار آکادمیک است.

"در ماه مه ۱۹۹۸، جمعی از پژوهشگران و صاحب‌نظران آموزش عالی اروپا و آمریکا در شهر گلیون سوئیس گرد آمدند تا درباره‌ی بحران آموزش در آستانه‌ی قرن بیست‌ویکم تبادل نظر کنند. مضمون پژوهش‌ها و گفت‌وگوهای این همایش، جملگی درباره‌ی تحلیل بحران، بازنگری در هدف و نقش آموزش عالی و همچنین ضرورت دگرگون‌سازی ساختار آموزش عالی بود. آن‌ها سرانجام در بیانیه‌ی همایش، هم‌رأی با یکدیگر ریشه‌ی بحران را در فضا- زمان در حال تغییر، ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات جهانی، پدیده‌ی جهانی شدن، پیشرفت بی‌سابقه‌ی فن‌آوری‌های اطلاعات (در حجمی که آن را انقلاب در فن‌آوری اطلاعات می‌نامند)، دگرگونی مناسبات میان بازار - دانش و هنر و همچنین شکاف میان آموخته‌های دانشگاهی و کار واقعی یافتند."^۱

آموزش هنر از دو دهه‌ی گذشته با دشواری روبه‌رو است، زیرا موضوع آموختنی (هنر معاصر) خود دچار

هویت بی‌ثبات و چندگانه، خصلتی ناپایدار و تصادفی و نظریه‌هایی نسبی و ناروشن است

مسئله این است که توسعه‌ی ارتباطات جهانی به تبادل انبوه اطلاعات (از طریق شبکه‌های جهان گستر -

اینترنت) میان انسان‌ها و فرهنگ‌ها انجامیده و شرایط ذهنی و فرهنگی دائم ن متغیر و پویایی را پدید آورده است.

در چنین شرایطی، مجموعه‌ی ارزش‌ها و باورها چه در فرد و چه در جامعه‌ی معین و نیز جامعه‌ی جهانی

^۱. بقراطی، فائقه، نشریه بیناب، شماره‌ی سه و چهار دی‌ماه ۱۳۸۲

دست‌خوش نسبت و دگرگونی دائمی است و مهم‌تر این‌که پیش‌بینی تغییر بعدی و راه برد آن نیز ناممکن شده است. در این میان، نظام آموزشی، که برای تعیین هدف و برنامه به حدودی از ثبات نیاز دارد، و همچنین دانشگاه که همواره کانون اصیل‌ترین تکاپوهای علمی و فرهنگی بوده و متعهد به حفظ اصول اخلاقی و علمی است، وضعی نابسامان یافته است؛ به این معنا که دیگر توان و شتاب لازم در هم‌سویی و سازگاری با ویژگی‌های جهان دگرگون‌شده را در خود نمی‌بیند و سردرگم و محافظه‌کارانه از پس روندهای پیاپی و دائمی متغیر حرکت می‌کند.^۱

روش تحقیق

روش کلی تحقیق تحلیلی و توصیفی است که در عین حال در بخش‌هایی از روش استقرایی و قیاسی هم بهره گرفتیم.

روش گردآوری :

الف .گفت‌گو: هدف مصاحبه نبود بلکه آشنا شدن با زوایایی از تاریخچه‌ی تدوین آموزش آکادمیک عکاسی و بعد بیان تجربه‌ها در تدوین و مراحل اجرا و آموزش بود و از همه مهم‌تر شناخت نوع منظر و دیدگاه‌گاهی و علمی در بیان مساله هنر و عکاسی به‌عنوان یک هنر بود. در این مرحله با توجه به نکات حاشیه‌ای در مباحث هنر علاوه بر مدیران و معلمان و هنرمندان از طیفی که به نام هنرگردان^۲ و منتقد و گالری دار هم برای گفت‌گو دعوت شد که این افراد هم به طور مستقیم یا غیر مستقیم با عکاسی در ارتباط هستند.

گروه اول در این گفت‌گو مدیران و مشاوران و دست‌اندرکاران آموزش عکاسی:

۱. ساسان افشار زاده مدیر رشته عکاسی و معاون فعلی گروه عکاسی و گرافیک دانشکده تجسمی پردیس

هنرهای زیبای دانشگاه تهران

۲. مهدی حجت، دبیر کمیته هنر ستاد انقلاب فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی) سال ۶۲

۳. حلیمی: عضو بخش تجسمی کمیته هنر ستاد انقلاب فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی)

^۱فائقه بقراطی، نشریه بیناب، شماره‌ی سه و چهار دی‌ماه ۱۳۸۲

۴. محمد خادیمان، مدرس و از همکاران دکتر شفائیه در دانشگاه هنر
۵. حمید رضا سوری، مدیر گروه عکاسی دانشگاه آزاد (۸۰-۷۸)
۶. جواد سلیمی، مشاور دفتر گسترش وزارت علوم (کمیته هنر) و رئیس گروه رشته عکاسی دانشگاه

هنر

۷. پروین طاعی، مدیر سابق رشته عکاسی دانشگاه هنر
۸. محمد یوشی مدرس سابق و از همکاران دکتر شفائیه در دانشگاه تهران

گروه دوم اساتید و معلمان دانشگاه تهران، هنر، آزاد

۹. آقای یحیی دهقانپور
۱۰. فرشید آذرنگ
۱۱. شهریار توکلی
۱۲. محمد ستاری
۱۳. علیرضا صحاف زاده
۱۴. محمد غفوری
۱۵. فرهاد فخریان
۱۶. محمد خدادادی مترجم زاده
۱۷. مهران مهاجر
۱۸. رضا نبوی
۱۹. مهرداد نجم آبادی
۲۰. غزاله هدایت

گروه سوم هنرمندان، منتقدان، هنرگردانان

۲۱. ایمان افسریان منتقد و هنرمند